

توصیف کلی تفاوت‌های ساختاری و معنایی واژگان فارسی و دری معاصر

ورژ پارسادانیان

دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه «هراچیا آچاریان» ایروان

فارسی رایج در افغانستان که از نیمه دوم سده گذشته به‌طور رسمی دری نامیده شده، در طول تاریخ مورد توجه و علاقه اکثر سیاحان، بازرگانان، دانشمندان و مترجمانی که در اصل تسلط بر زبان فارسی داشته‌اند، قرار گرفته است. آنان، اغلب در سفرنامه‌های خویش درباره مشترکات و تفاوت‌هایی که در آن زبان و فارسی مشاهده کرده‌اند، اشاراتی نموده‌اند. از آنجا که متأسفانه درباره پدیده‌های فوق‌الذکر، به‌خصوص درباره اختلافات این دو گونه زبان اثری جامع یا واژه‌نامه‌ای تطبیقی تدوین نگردیده بود و چون لزوم پرداختن به این امر مهم روز به روز آشکارتر می‌گردید لهذا به این فکر افتادیم تا واژه‌نامه‌ای را تألیف نماییم که علاوه بر ذکر مطابقت معانی لغات فارسی و دری دربرگیرنده مسائل آواشناسی، واژه‌شناسی، املائی، جمله‌سازی و نحوی نیز باشد.

در راه تحقق این امر اخیراً در ارمنستان موفق شدیم تا دو جلد کتاب را با عناوین «فرهنگ فارسی- دری- ارمنی و دری- فارسی- ارمنی» و «فرهنگ فارسی- دری- روسی و دری- فارسی- روسی» بعد از تصویب در جلسه هیئت علمی دانشگاه «هراچیا آچاریان» ایروان به چاپ برسانیم.

ناگفته نماند که هر یک از فرهنگ‌های نامبرده در ۲۴۰ صفحه و دربرگیرندهٔ بیش از سه هزار مدخل است. در این فرهنگ‌های تطبیقی معادل معنایی زبان‌های ارمنی و روسی نیز درج گردیده است.

بخشی از پژوهش و تحقیقی که هم‌اکنون عرضه خواهیم داشت از نظر نوع کار علمی تفاوت‌های زیادی با تحقیقاتی که تاکنون در باب زبان دری معاصر انجام گرفته است، دارد. در این تحقیق سعی گردیده است تا با مطابقت، تجزیه و تحلیل ساختار لغوی و معانی واژگان، مطالعات تاریخی تطبیقی واژه‌ها و نحوهٔ ایجاد اختلافات و تفاوت‌های معانی، بتوان در چگونگی ایجاد این پدیدهٔ زبان‌شناسی، نظریهٔ نوینی را تقدیم دانش‌پژوهان کرد.

قسمتی از تفاوت‌های معنایی که در اثر گذشت قرن‌ها بین واژگان این دوگونه زبان به‌وجود آمده و تاکنون نیز ادامه دارد و روز به روز عمیق‌تر می‌شود در این مقاله ارائه می‌گردد.

با مقایسه و مقابلهٔ واژگان این دو زبان خویشاوند، مسلم می‌گردد که زبان دری معاصر نیز یکی از زبان‌های مستقل زیرمجموعهٔ زبان‌های هند و ایرانی است. هرگاه به آن دسته از واژه‌های هم‌معنا که ریشه و اصل متفاوت دارند و از نظر ساختاری نیز اختلاف‌هایی با یکدیگر دارند، نظری بیان‌دازیم می‌توان به روشنی تمام دید که زبان دری معاصر راه تکامل ویژه‌ای پیموده و حاصل آن به‌وجود آمدن زبانی مستقل در شاخهٔ ایرانی گروه هند و ایرانی (در خانوادهٔ هند و اروپایی) است.^۱

در این مقاله سعی نموده‌ایم تا از ذکر لغات مترادف خودداری کنیم. جهت رسیدن به هدف این پژوهش، تفاوت‌های فوق‌الذکر را در سه گروه آوایی، املائی و معنایی دسته‌بندی کرده و به قرار زیر ارائه می‌نماییم:

تفاوت‌های آوایی

در این قسمت مقاله، شماری از تفاوت‌های گوناگون که در واژگان این دو زبان در طول تاریخ به‌وجود آمده است، ارائه می‌شود و توجه شما را به نکات زیر جلب می‌نماییم:



۱- بررسی بخشی از تفاوت‌های آوایی که در اثر مرور زمان به علت عدم ارتباط نزدیک این دو گونه زبان به وجود آمده است؛

۲- بررسی ایجاد قواعد خاص دستوری در هر یک از آنها؛

۳- بررسی تأثیرات دستگاه آوایی زبان‌های بیگانه بر دستگاه آوایی زبان دری.

در نتیجه تحولات زبانی فوق‌الذکر در طول زمان واژه‌های مشترک این دو زبان از نظر آوایی دچار تغییراتی گردیده است. به طور کلی این تغییرات در مصوت‌ها و صامت‌های هر دو زبان انجام گرفته است. باید اشاره کنیم که حذف یا اضافه شدن بعضی از آواها در یکی از این دو زبان و یا دیگری نیز به طور مستقیم مشاهده می‌شود. این چنین تغییرات شامل وام‌واژه‌ها نیز هستند.

با مقابله و مقایسه واژه‌های مشترک هم‌معنا که از نظر نوشتاری نیز یکسان هستند، مشاهده می‌شود که تغییرهای آوایی در سیلاب‌های آغازی، میانی و پایانی انجام گرفته است. از نظر مصوت‌های مرکب پس از تحقیق و مطالعه به این نتیجه رسیده‌ایم که دستگاه آوایی زبان دری معاصر از سایر زبان‌ها متأثر شده است. اگرچه مجموعه آوایی زبان دری اصول کلی دستگاه آوایی فارسی را در خود حفظ کرده است، امروز می‌توان ادعان کرد که به دستگاه آوایی زبان خویشاوند تاجیکی نزدیک‌تر است تا به زبان فارسی. با در نظر گرفتن مراتب فوق، لغات هم‌معنا به تفکیک مصوت‌ها و صامت‌ها به شرح زیر ارائه می‌شود:

مصوت‌های ساده

تغییرات آوایی مصوت‌های ساده زبان فارسی و زبان دری در اول، وسط و آخر کلمه:

الف- در اول و وسط کلمه مصوت آ [a] فارسی در زبان دری با صدای آ [ā] تلفظ می‌گردد. به طور مثال:

در دری	در فارسی
[xārčang]	خرچنگ [xarčang] ، خارچنگ ^۲
[hazāstārdān]	هزارداستان [hezārdastā] ، هزارداستان



ب- در ابتدای کلمه و گاهی هم در آخر کلمه مصوت اُ [o] فارسی در زبان دری با صدای آ [ā] تلفظ می‌شود. برای مثال:

در دری	در فارسی	
[blāk]	[belok]، بلاک ^۳	بلوک
[prāblem]	[peroblem]، پرابلم	پروبلم
[dālar]	[dolār]، دالر	دلار

ج- در ابتدای کلمه مصوت آ [ā] فارسی در زبان دری با صدای آ [a] تلفظ می‌گردد. مانند:

در دری	در فارسی	
[taksi]	[tāksi]، تکسی ^۴	تاکسی
[betri]	[bātri]، بطری	باطری
[tayp]	[tāyp]، تیپ	تایپ

د- مصوت اِ [e] فارسی در زبان دری با صدای آ [a] تلفظ می‌شود. برای نمونه:

در دری	در فارسی	
[padar]	[pedar]، پدر	پدر
[čarāq]	[čerāq]، چراغ ^۵	چراغ
[šakar]	[šekār]، شکر	شکر

ناگفته نماند که این نوع تغییر آوایی نیز در حرف اضافه «به» که در هر دو زبان در نوشتار مشترک است مشاهده می‌گردد. به طور مثال:



در فارسی	در دری
به خدا	[baxodā]
[bexodā]، بخدا	
به موقع	[bamawqa]
[bemoqe]، به موقع	
به دقت	[badeqqat]
[bedeqqat]، بدقت	

در زبان دری برخلاف فارسی، «ه» (های) غیر ملفوظ با صدای آ [a] تلفظ می‌شود. مانند:

در فارسی	در دری
حلقه	[halqa]
[halqe]، حلقه	
جلسه	[jalesa]
[jalase]، جلسه	
شانه	[šāna]
[šāne]، شانه	
قصه	[qessa]
[qesse]، قصه ^۶	

ه- هجای اول در یک سری واژه‌هایی که با صامت‌های مختلف شروع می‌شوند مصوت آ [o] فارسی در زبان دری با مصوت آ [a] تلفظ می‌گردد. برای مثال:

در فارسی	در دری
جنوب	[janub]
[jonub]، جنوب	
نخود	[naxod]
[noxod]، نخود ^۷	

و- مصوت آ [a] فارسی در واژه‌های همانند دری با صدای آ [o] تلفظ می‌شود. به‌طور نمونه:

در فارسی	در دری
پنبه	[pomba]
[pambe]، پنبه ^۸	
حجم	[hojm]
[hajm]، حجم	
کبد	[kobad]
[kabad]، کبد	



ز- مصوت ا [e] فارسی در دری با آوای ا [o] تلفظ می‌گردد. به‌طور مثال:

در فارسی	در دری
آپارتمان [āpārtemān]	آپارتمان ^۹ [āpārtomān]
نماینده [nemāyande]	نماینده [nomāyanda]
درخشیدن [deraxšidan]	درخشیدن [doraxšidan]

ح- در وسط کلمه مصوت ا [e] فارسی در دری با آوای ا [a] تلفظ می‌شود. مانند:

در فارسی	در دری
مدرسه [madrese]	مدرسه [madrasa]

ط- مصوت آ [ā] فارسی در ابتدای کلمه دری با صدای ا [e] تلفظ می‌گردد. به‌طور مثال:

در فارسی	در دری
آسفالت [āsfālt]	اسفالت [esfālt]
آمریکا [āmrikā]	امریکا [emrikā]

ی- در ابتدای کلمه مصوت آ [ā] فارسی در کلمه‌های مشترک دری با صدای ا [e] تلفظ می‌شود. مانند:

در فارسی	در دری
الک [alak]	الک ^{۱۰} [elak]
علاوه [alāve]	علاوه [elāwa]

در هجاهای اول برخی کلمات مشترک این دو زبان نیز مصوت آ [a] فارسی در دری با صدای ا [e] تلفظ می‌گردد. به‌طور مثال:



در فارسی	در دری
بنفشه	[benafša]
دهان	[dehān]
دست	[dest]

در وسط کلمه مصوت ا [a] فارسی در دری با صدای ا [e] تلفظ می‌شود. برای مثال:

در فارسی	در دری
بیننده	[binenda]
خزنده	[xazenda]
نوازنده	[nawāzenda]

ک- در کلمه‌های مشترک این دو زبان مصوت ا [o] فارسی در زبان دری با صدای ا [e] تلفظ می‌گردد. مثال:

در فارسی	در دری
بلند	[beland]
شمال	[šemāl]
مژه	[meža]
قمار ^{۱۱}	[qemār]

ل- در برخی واژه‌های مشترک فارسی و دری نیز تغییرات آوایی مشاهده می‌شود. مثلاً مصوت ای- [i] در وسط کلمه فارسی، در دری با صدای ا [e] تلفظ می‌شود:

در فارسی	در دری
بیل	[bel]
بیوه	[bewa]
دیوانه	[dewāna]

ناگفته نماند که در زبان دری برخلاف فارسی پیشوندهای «می» و «نه» و همچنین شناسه‌های اول شخص جمع و دوم شخص جمع، به ترتیب به ساختار آوایی «me»، «na»، «em» و «ed» کاربرد دارند. به طور مثال:

در فارسی	در دری
می‌روم	[miravam]
می‌روی	[mirawi]
می‌رویم	[miravim]
نمی‌دهی	[nemidahi]
نمی‌کنم	[nemikonam]
هستیم	[hastim]
هستید	[hastid]

باید اشاره کرد که اگر امروز در زبان فارسی پیشوند «می» از فعل مورد نظر جدا نوشته می‌شود، در زبان دری هنوز با فعل مورد نظر سرهم نوشته می‌شود. پیشوند نفی «بی» فارسی، در زبان دری معاصر به شکل به [be] کاربرد دارد. برای مثال:

در فارسی	در دری
بی‌اثر	[biasar]
بی‌اراده	[bierāde]



بی‌غم [biqam]، بی‌غم [biqam]، بی‌غم [biqam]
 در وام‌واژه‌های راه یافته به زبان دری، برخلاف فارسی، مشاهده می‌شود که حرف ی [ye] نوشته نمی‌گردد ولی تلفظ می‌شود. برای مثال:

در فارسی	در دری
دیپلم [diplom]	[deplom]
زیپ [zip]	[zep]
فیلم [film]	[felm]
گیلاس ^{۱۶} [gilās]	[gelās]

در زبان دری در وسط گروهی از واژه‌های مشترک هم، برعکس فارسی، حرف ی [ye] را نمی‌نویسند ولی به صورت [e] تلفظ می‌کنند. مانند:

در فارسی	در دری
توریست [turist]	[turest]
پارکینگ [pārking]	[pārkeng]
کشیک [kešik]	[kešek]

م- در آغاز برخی واژه‌های مشترک فارسی و دری مصوت او [u] فارسی در دری با صدای ا [o] تلفظ می‌شود. برای مثال:

در فارسی	در دری
بور [bur]	[bor]
بوستان [bustān]	[bostān]

بوسه [buse]، بوسه [bosa]

ناگفته نماند که در هجاهای اول برخی از کلمه‌های مشترک این دو زبان نیز تغییرات آوایی انجام گرفته است. به عبارت دیگر می‌توان گفت مصوت اُ [o] فارسی، در دری معاصر با صدای او [u] کاربرد دارد. برای مثال:

در فارسی	در دری
جغد [joqd]	[joqd]
دچار [dočār]	[dučār]
مرغ [morq]	[murq]

آنچه تا اینجا به اختصار مطرح کردیم در مجموع، یادآور تغییرات آوایی بود که در فرهنگ‌های فوق‌الذکر به‌طور مفصل آمده است. قسمتی از نتایج مطالعات و تحقیقات آوایی فوق را به‌طور خلاصه و به‌صورت جمع‌بندی شده زیر ارائه می‌داریم:

الف- اختلاف‌های آوایی که در مصوت‌های لغات مشترک هر دو زبان به مشاهده رسیده است.

ب- تغییرات آوایی که اکثراً در مصوت‌های ابتدایی کلمه‌ها صورت گرفته است.

مصوت‌های مرکب

به‌طور کلی در زمان‌های قدیم مصوت‌های مرکب در هر دو زبان به اندازه کافی وجود داشته است. در این قسمت به مطالعه و تطبیق مصوت‌های مرکب [ou] و [ey] که هم‌اکنون در هر دو زبان کاربرد زیادی دارند، پرداخته، از سایر مصوت‌های مرکب این دو زبان سخن نمی‌گوییم. ضمناً باید اضافه کرد که سایر مصوت‌های مرکب این دو زبان نیز تابع قانون تغییر زبانی بوده و در اثر گذشت زمان، یا به مصوت ساده تبدیل گردیده یا با تغییر مختصری در ساختار



آوایی خود شکل دیگری به خود گرفته‌اند. به گونه‌ای که گاهی نمی‌توان تشخیص داد که آنها آیا مصوت مرکب‌اند یا مصوت ساده. جهت روشن ساختن مطلب فوق موارد زیر ارائه می‌گردد:

الف- در هجاهای ابتدایی برخی کلمات مشترک این دو زبان یعنی کلماتی که دارای املاء و معنای واحدند مصوت مرکب [ou] فارسی در زبان دری با صدای [aw] تلفظ می‌شود که نظیر آوای دولبی [w] زبان انگلیسی است. این مصوت مرکب زبان دری معاصر افغانستان، در آثار بعضی از دری‌شناسان محلی یا خارجی به گونه مصوت مرکب [āu] آمده است. با این‌همه باید اذعان نماییم که در عصر جدید بررسی‌های آواشناختی زبان دری گویای آن است که ثبت این مصوت مرکب با [aw] درست‌تر است. زیرا امروزه در زبان دری افغانستان مصوت مرکب فوق‌الذکر دقیقاً به همین شکل و ساختار آوایی ادا می‌شود. برای مثال:

در دری	در فارسی
[awj]	اوج [ouj]
[tawlid]	تولید [toulid]
[jawhar]	جوهر [jovhar]
[naw]	نو ^{۱۹} [nou]
[náwa]	نوع ^{۲۰} [no]

ب- مصوت مرکب [ey] فارسی، در زبان دری تغییر شکل پذیرفته و با صدای [ay] تلفظ می‌شود. به‌طور مثال:

در دری	در فارسی
[aywān]	ایوان [eyvān]
[paymān]	پیمان [peymān]
[maydān]	میدان ^{۲۱} [meydān]

ما بر آن عقیده‌ایم که مصوت مرکب [ey] در قدیم در زبان فارسی نیز کاربرد داشته و به مرور زمان تغییر شکل پذیرفته است. خوب است در اینجا یادآور شویم که زبان دری معاصر بهتر توانسته مصوت مرکب مذکور زبان فارسی عمومی یا فارسی مادر را در خود حفظ کند.

نادیده نباید گرفت که در برخی از واژه‌هایی که زبان دری از السنه‌های ژرمنی و اسلاوی وام گرفته است، مصوت ساده ی [ye] به شکل مصوت مرکب [ey] مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌طور مثال می‌توان به کلمه‌های «استیشن» [esteyšan]، «پورتريت» [portreyt]، «پلیت» [pleyt] و تابلیت [tābleyt] دری، که در فارسی به ترتیب معنای «ایستگاه»، «پرتره»، «لوحة» و «قرص» را می‌رسانند، اشاره کرد.

با مطالعه و تطبیق دقیق واژه‌های مشترک این دو زبان موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

الف- بعضی از نرم‌های دستگاه آوایی زبان مادری تاجیکان افغانستان، تأثیر کلی بر دستگاه آوایی زبان دری معاصر داشته است و امروزه حاصل چنین تأثیرات در زبان کنونی تاجیکان افغانستان یعنی دری‌زبانان مشهود است.

ب- زبان فارسی در طی قرون متمادی متحمل تحولات و دگرگونی‌های آوایی و واژگانی بسیاری شده، کلمات جدید بسیاری را دربر گرفته است. در صورتی که در زبان دری این امر روند کُندتری داشته است. یعنی در واژگان زبان ادبی دری تغییرات زبان‌شناختی چشمگیری پدید نیامده است. به‌طور مثال در بعضی از لهجه‌های فارسی امروزه واژه‌هایی با تلفظ یا دستگاه آوایی دری وجود دارند و برعکس، لغاتی که به‌کارگیری آنها در زبان فارسی سال‌های پیش از بین رفته است، در زبان دری معاصر هنوز هم فعال هستند.

ج- در دستگاه آوایی زبان دری معاصر علاوه بر تأثیرات آوایی تاجیکی تأثیرات آوایی زبان‌های هندی و پشتو نیز به وضوح دیده می‌شود.

اضافه شدن مصوت در کلمات مشترک



الف- در میان دو صامت آخر وام‌واژه‌های عربی رایج در زبان دری معاصر برخلاف وام‌واژه‌های عربی متداول در زبان فارسی امروزه ایران، گاهی مصوت ا [e] و گاهی هم مصوت ا [o] به‌نظر می‌رسد. به‌طور مثال:

در دری	در فارسی
[hamel]	حمل [haml]. حمل
[zaʃer]	زجر ^{۲۳} [zaʃr, zaʃar]. زجر
[feker]	فکر [fekr]. فکر

ب- در زبان دری در آخر بعضی از واژه‌های مشترک حرف ی [i] مشاهده می‌شود. به‌طور مثال:

در دری	در فارسی
[parči]	پرچ ^{۲۴} [parč]. پرچی
[čatri]	چتر [čatr]. چتری ^{۲۵}
[dārčini]	دارچین ^{۲۶} [dārčin]. دارچینی
[qali]	قلع ^{۲۷} [qal]. قلعی
[kāfi]	کافه ^{۲۸} [kāfe]. کافی

ج- بعضی از وام‌واژه‌های مشترک عربی متداول در زبان‌های فارسی و دری از نظر گفتاری و نوشتاری تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. بدین ترتیب می‌توان گفت که این وام‌واژه‌ها در زبان فارسی در طول تاریخ از نظر تلفظ و نوشتار تغییرات زبان‌شناختی پذیرفته ولی در زبان دری هیچ تغییری نپذیرفته و خصوصیات نوشتاری زبان وام‌دهنده این وام‌واژه‌ها بدون تغییر شکل حفظ گردیده است. یعنی «ة» زبان عربی در نوشتار چنین اقتباس‌هایی حفظ گردیده ولی در تلفظ



تبدیل به «ه» (های) غیر ملفوظ شده است. جهت روشن ساختن این پدیده توجه شما را به مثال‌های زیر جلب می‌نمایم:



در فارسی	تبادل	در دری
[tabādol]	تبادل	[tabādola]
[hemāyat]	حمایت	[hemāya]
[masāhat]	مساحت	[masāha]

ناپدید یا حذف شدن مصوت‌ها در کلمات مشترک

در زبان دری ناپدید شدن یا متروک گردیدن مصوت‌های [a] و [o] فارسی مادر به چشم می‌خورد. به آسانی می‌توان به این مسئله پی برد که این مصوت‌ها متعلق به زبان فارسی عمومی بوده و در طول تاریخ با گذشت زمان در زبان دری ناپدید یا متروک گردیده‌اند. به‌طور مثال: کلمه‌های «لبنیات»، «فلج» و «تُرُب» فارسی در دری به‌ترتیب با ساختار آوایی زیر مورد استفاده قرار می‌گیرند: [labniyāt]^{۳۰}، [falj]^{۳۱}، [torb]^{۳۲}.

جابه‌جایی آواها در کلمات مشترک

در مطالعه دقیق دستگاه آوایی مشاهده می‌گردد که در بعضی موارد در هجای آغازی مصوت [e] فارسی در زبان دری جای خود را به صامت قبل از خود می‌دهد و خود جای آن را می‌گیرد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در بعضی موارد دو آوای ابتدایی کلمات مشترک فارسی و دری جای خود را به یکدیگر می‌دهند و بدین ترتیب جابه‌جایی دو صدای آغازین کلمه صورت می‌گیرد. به‌طور مثال وام‌واژه‌های «اسکی» و «اسپورت» فارسی در دری به‌صورت [seki]، [seport] به‌کار می‌روند و مواردی همچون آن.

در این قسمت مقاله که جابه‌جایی آواها در کلمات مشترک فارسی و دری را از نظر گذرانندیم باید یادآور شویم که امروزه تفاوت‌هایی نیز بین بن‌های مضارع برخی افعال مشترک این دو زبان مشاهده می‌شود. برای مثال بن فعل‌های «رفتن»، «دادن»، «شنیدن» و «دویدن» در زبان فارسی به‌ترتیب به‌صورت [rou]، [deh]، [šenou] و [dou] تلفظ می‌شوند در حالی که در زبان دری به‌ترتیب به گونه‌های [raw]، [dah]، [šenaw] و [daw] مورد استفاده قرار می‌گیرند. ما بر آن



عقیده‌ایم که ساختار آوایی بن‌های مضارع افعال فوق‌الذکر در زبان دری کاربرد درست‌تری دارند، زیرا در زبان فارسی هنگام صرف کردن در ساختار آنها تغییرات آوایی صورت می‌گیرد و به ترتیب به گونه‌های [miravam]، [mišnavam]، [midaham]، [midavam] تلفظ می‌شوند، نه [mirouam]، [mišnouam]، [mideham]، [midouam].

تفاوت‌های تلفظی صامت‌های فارسی و دری

به‌طور موثق نمی‌توان گفت که تغییرات دستگاه صامت‌های واکدار و بی‌واک این دو زبان با یکدیگر تطابق کامل دارند و از قانون واحدی پیروی می‌کنند. در نتیجه پژوهش و مطالعه دقیق تا حدودی میسر گردیده تا صامت‌های واکدار و بی‌واک این دو زبان را مقایسه و طبقه‌بندی کنیم و به‌صورت قانون دستوری درآوریم. به‌طور مثال در واژه‌های مشترک، صامت واکدار «گ» فارسی، در دری با صدای صامت بی‌واک «ک» دیده می‌شود. به‌منظور نشان دادن مورد فوق توجه شما را به مثال‌های زیر جلب می‌کنیم:

در فارسی		در دری
ارگ	[arg]، ارک	[ark]
دلگشا	[delgošā]، دلکشا ^{۳۳}	[delkošā]
گلوله	[golule]، کلوله	[kolule]

در برخی کلمات مشترک این دو زبان خویشاوند، تبدیل صامت‌های چ [č] به ج [j]، پ [p] به ب [b]، ف [f] به پ [p]، ژ [ž] به ز [z] نیز به روشنی تمام دیده می‌شود. به‌طور مثال:



در دری	در فارسی
[asp]	اسب [asb]، اسپ
[pāliz]	جالیز [jāliz]، پالیز
[čuča]	جوجه [juje]، چوچه
[šebeš]	شپش [šepes]، شبش ^{۳۴}
[fāluda]	فالوده [pālude]، فالوده
[firuja]	فیروزه [firuze]، فیروزه
[fāliz]	فالیز [pāliz]، فالیز

آنچه در این مقاله مطرح گردید بخشی از تحقیقی است که در باب تفاوت‌های موجود در واژگان فارسی و دری معاصر در طی سالیان دراز انجام داده‌ایم. بی‌شک در این خصوص می‌توان بیشتر صحبت کرد. اکنون جهت اطلاع به‌طور خلاصه عناوین قسمت‌های دوم و سوم این پژوهش ارائه می‌گردد.

تفاوت‌های معنایی در واژگان دو زبان فارسی و دری

در این بخش موارد زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- کلمه‌هایی که از نظر نوشتاری یکسان ولی از نظر معنایی متفاوت‌اند.
- ۲- کلمه‌هایی که در معنا یکسان ولی از نظر ساختار مختلف‌اند.

تفاوت‌های نوشتاری

در این قسمت از پژوهش موارد زیر را مورد مطالعه قرار داده، چنین طبقه‌بندی نموده‌ایم:

- ۱- کلمه‌هایی که در نوشتار مختلف ولی در تلفظ و معنی یکسانند.
- ۲- کلماتی که در دستگاه آوایی آنها اختلافات آوایی مشاهده می‌شود.

- ۳- کلمه‌های مشترکی که در نوشتار متفاوتند.
- ۴- اختلاف در اسم جمع واژه‌های مشترک این دو زبان.
- در خاتمه باید اشاره کرد که موارد ذکر شده در بخش‌های دوم و سوم این تحقیق، در فرهنگ‌های مورد اشاره گنجانیده شده‌اند. شایان ذکر است که موارد گفته شده در این مقاله به هیچ روی دربرگیرنده تمامی تفاوت‌های موجود بین واژگان این دو زبان خویشاوند نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. انستیتیوی شرق‌شناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی، *زبان‌ها و لهجه‌های دنیا*، مسکو، انتشارات نائوکا، ۱۹۸۲، ص ۱۸.
۲. وینا گرادوا س. پ.، پیریکو ل. آ.، *فرهنگ جیبی دری- روسی*، مسکو، انتشارات «روسکی یازیک»، سال ۱۹۸۹، ص ۱۴۴.
۳. همان، ص ۵۹.
۴. کیسیلنوا ل. ن.، میکالایچیک و. م.، *فرهنگ دری- روسی*، مسکو، انتشارات «روسکی یازیک»، ۱۹۷۸، ص ۲۲۰.
۵. همان، ص ۲۷۸.
۶. همان، ص ۵۶۳.
۷. همان، ص ۶۹۴.
۸. همان، ص ۱۷۰.
۹. استروفسکی ب. ی.، *فرهنگ جیبی روسی- دری*، مسکو، انتشارات «روسکی یازیک»، ۱۹۸۷، ص ۱۴۷.
۱۰. ویناگرادوا، پیریکو، *فرهنگ جیبی دری- روسی*، ص ۴۰.
۱۱. کیسیلنوا، میکالایچیک، *فرهنگ دری- روسی*، ص ۵۶۶.
۱۲. پرتو، عبدالله، *واژه‌یاب در سه جلد، فرهنگ برابری‌های فارسی واژه‌های بیگانه*، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷، جلد دوم، ص ۱۴۵۳.
۱۳. کیسیلنوا، میکالایچیک، *فرهنگ دری- روسی*، ص ۱۴.
۱۴. همان، ص ۴۲۱.
۱۵. همان، ص ۵۵۰.
۱۶. اوچینیکووا ای. ک.، فروغیان گ. آ.، بدیع ش. م.، *فرهنگ روسی- فارسی*، مسکو، چاپ «بولشایا سوتسکایا انسکلوپدیا»، ۱۹۶۵، ص ۸۹۸.
۱۷. کیسیلنوا، ل. ن. و. م.، میکالایچیک، *فرهنگ دری- روسی*، ص ۴۲۰.
۱۸. افغانی‌نویس، عبدالله، *فرهنگ فارسی- پشتو (افغان قاموس فارسی به پشتو) در سه جلد*، کابل، چاپ شمیر، سال ۱۳۳۶-۱۳۳۵، جلد دوم، ص ۱۳۵.
۱۹. کیسیلنوا، ل. ن. و. م.، میکالایچیک، *فرهنگ دری- روسی*، ص ۷۱۱.



۲۰. مشیری، مهشید، نخستین فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴، چاپ سوم، ص ۳۲۴.
۲۱. پرتو، واژه‌یاب در سه جلد، جلد سوم، ص ۱۹۷۷.
۲۲. دیاس گانسالیس م. آ.، فرهنگ درسی دری- روسی، مسکو، انتشارات «روسکی یازیک»، ۱۹۸۸، ص ۵۹۳.
۲۳. نفیسی، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی در پنج جلد، جلد سوم، تهران، انتشارات مروی، سال ۲۵۳۷، ص ۱۷۴۳.
۲۴. اوچینیکووا، فروغیان، بدیع، فرهنگ روسی- فارسی، ص ۲۴۴.
۲۵. پرتو، واژه‌یاب، جلد اول، ص ۴۹۱.
۲۶. قریب، محمد، واژه‌نامه نوین، تهران، انتشارات بنیاد، سال ۱۳۶۰، ص ۴۳۸.
۲۷. میرزابگیان ژ. م.، فرهنگ پلی‌تکنیک روسی- فارسی، مسکو، انتشارات سوتسکایا انسکلوپدیا، سال ۱۹۷۳، ص ۳۶۶.
۲۸. اوچینیکووا، فرهنگ روسی- فارسی، ص ۳۲۳.
۲۹. نعیم جانباز، صفی، فرهنگ اصطلاحات انگلیسی- دری، کابل، نشر نعیم جانباز، سال ۱۹۷۳، ص ۱۸۱.
۳۰. کیسیلنوا، میکالایچیک، فرهنگ دری- روسی، ص ۶۱۸.
۳۱. استروفسکی، فرهنگ جیبی روسی- دری، ص ۲۴۲.
۳۲. زودین پ. ب.، فرهنگ فشرده افغانی- روسی، مسکو، چاپ فرهنگ‌های ملی و خارجی، سال ۱۹۵۰، ص ۱۳۸.
۳۳. کیسیلنوا، میکالایچیک، فرهنگ دری- روسی، ص ۳۷۱.
۳۴. وینا گرادوا، پیریکو، فرهنگ جیبی دری- روسی، ص ۲۰۸.